

تحریف‌ستیزی علامه شهید مطهری و نقش آن در انقلاب اسلامی

بهاء‌الدین قهرمانی نژاد شایق*

چکیده

علامه شهید، آیت‌الله مرتضی مطهری، از معدود اندیشمندانی بوده که التفات ویژه‌ای به بررسی و رد تحریفات عاشورایی داشته است. توجه ویژه وی در این مباحث، بررسی تطبیقی و در نتیجه آن، تردید جدی در قبول اخباری است که اصل پیام‌های عاشورایی را لوث کرده و اصالت حرکت عظیم اصلاحی سیدالشهداء را زیر سؤال می‌برد. بنابراین، مقاله حاضر درصدد یافتن پاسخ این مسئله است که ممیزه یا ممیزه‌های اصلی مبانی تحریف‌ستیزی در تاریخ مقتل الحسین (ع) در اندیشه و آراء مطهری کدام است؟

واژگان کلیدی

تحریف، عاشوراء، سیدالشهداء، شهید مطهری، انقلاب اسلامی

پیشینه

۱. معنای تحریف

علمای ادبیات عرب و مفسرین، تحریف را به معنای تبدیل و جابه‌جا کردن و مانند آن که خلاف مقصود را برساند، ترجمه کرده‌اند. زبیدی می‌گوید: «والتحریف، التعمیر و التبدیل و منه قوله تعالی یحرفون الکلم عن مواضعه (النساء / ۴۶) و هو فی القران، تغییر الحرف عن معناه و الکلمه عن معناها و هی قریبه الشبه کما کانت الیهود تغییر معانی التوراه بالاشباه». (زبیدی، بی‌تا: ۶۹) همچنین از متون قدیم ادبیات عرب، نظائری بر همین معنا می‌توان یافت.

e.m.shayeghi2137@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۳

*. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۴

فراهیدی می‌نویسد: «تحرف فلان عن فلان و انحراف، ای مال» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵۴) ابن منظور در *لسان العرب* نیز همین مطلب را ذکر کرده است و می‌نویسد: «قوله تعالى، يحرفون الكلم عن مواضعه، یعنی هو المزيل ای ممیلهها و مزیغها» (ابن منظور، ۱۴۱۵ ق: ۹ / ۴۳) هوروینی نیز در *قاموس* به نحو دیگری، همین معنا را برای تحریف بیان کرده است و می‌نویسد: «تحرف الکلام ان يعدل به عن وجهه» (الهوروینی، بی‌تا: ۱ / ۲۱) از بیان مفسران نیز، پیرامون همین واژه که پیشینه قرآنی دارد، به نظر دو نفر که یکی از متقدمین و دیگری از متأخرین است اکتفا می‌کنیم. فخر رازی در *تفسیر الکبیر* می‌نویسد: «التحريف، التغيير و التبدیل واصله من الانحراف عن الشی و التحریف عنه، قوله تعالى ألا متحرفاً لقتال او متحيزاً الی فئه» (المائدہ / ۱۳) (فخررازی، بی‌تا: ۳ / ۱۳۴) همین طور علامه طباطبایی در مورد جرم سنگین و نابخشندونی بنی‌اسرائیل در تحریف آیات چنین می‌نویسد: «لکنهم نبذوه ورائهم ظهرياً فابعدوا من رحمہ الله و حرفوا الکلم عن مواضعه و فسروها بغير ما ارید بها» (طباطبایی، ۱۴۰۳ ق، ن: ۲۳۹)

۲. انواع تحریف

این موضوع مورد اتفاق نظر است که تحریف گاهی محسوس، مزبور و قابل رؤیت است که از آن به تحریف لفظی تعبیر می‌شود که انواع و اقسامی دارد و از جمله موارد روشن آن، تردید در رخداد واضحی است که همگان به آن تصریح کرده‌اند. به عنوان مثال، تحریفی که ابن خلدون در مورد شیوه شهادت و مقتل امام مجتبی علیه السلام مرتکب شده و می‌نویسد: «و ما ينقل ان معاوية دسّ اليه السمّ مع زوجة بنت الاشعث فهومن احاديث الشيعة و حاشا لمعاوية من ذالك» (ابن خلدون، بی‌تا: ۲ / ۱۸۸) در حالی که بزرگانی از اهل سنت مانند مدائنی بنا بر نقل ابن عساکر از وی (ابن عساکر، ۱۴۰۰ ق: ۲۱۰) و باعونی شافعی برخلاف نظر ابن خلدون به این معنا تصریح کرده‌اند. (باعونی شافعی، ۱۴۱۵ ق: ۲ / ۲۰۸) حتی بزرگانی چون قندوزی حنفی، جزئیات و شواهد بیشتری برای آن ذکر کرده است. (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ ق: ۲ / ۴۲۷) اما در تحریفات معنوی، مهم‌ترین اجزاء آن، برداشت‌های ناصواب و ارتباط دادن‌های بی‌جا و بی‌مورد از رخدادهای تاریخی است که این موضوع در مباحث مقتلی به ویژه تاریخ‌نگاری مقتل الحسین علیه السلام فراوان دیده شده و در بررسی تحریفات عاشورایی، بسیار مورد توجه و مذاقه بزرگان، به ویژه علامه مطهری بوده است.

۳. تحریف‌شناسی

از جمله بزرگان متقدم که به این مبحث التفات داشته‌اند، می‌توان به شیخ مفید و سید مرتضی اشاره کرد که از زاویه کلامی، به رد تحریفات معنوی اهل سنت در مباحث عمومی و مقتلی صدر اسلام پرداخته‌اند. شیخ مفید در بحث مربوط به نبرد جمل و لزوم قتال با ناکثین به تبیین دیدگاه حق و رد تحریفات معنوی می‌پردازد (شیخ مفید، بی تا ب: ۳۸) و سید مرتضی در تنزیه الانبیاء به رد همین تحریفات، پیرامون رخدادهایی که منجر به مقتل و شهادت حضرت فاطمه علیها السلام، گردیده اقدام کرده است. (سید مرتضی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸۷)

اما با توجه به اهمیت مبحث مقتل الحسین علیه السلام و صدمات فراوانی که در ناحیه تحریف این واقعه متوجه جوامع اسلامی شده، بزرگانی از متأخرین و معاصرین، در این باب ورود پیدا کرده‌اند که از جمله مهم‌ترین ایشان، علامه میرزا حسین نوری و صاحب کتاب مستدرک الوسائل در اثر موسوم به لؤلؤ و مرجان است که فوق‌العاده مورد توجه و الهام علامه مطهری قرار گرفته است؛ (مطهری، ۱۳۶۶: ۳ / ۲۴۹، بخش پنجم) به صورتی که بیشتر مباحث مربوط به تحریف را با بیان دیدگاه‌های وی نقد می‌نماید. همچنین از بزرگان دیگر، محدث قمی است که در چند اثر خویش از جمله منتهی الآمال و نفس المهموم، در قالب بیان تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام و همچنین مقتل الحسین علیه السلام، مواردی از تحریفات لفظی و معنوی را بیان کرده و در رد آنها، مطالبی آورده است. از معاصرین نیز علاوه بر علامه مطهری، شهید قاضی طباطبایی، مباحث مستقلی در این باب دارد که تحت عنوان تحقیقی پیرامون اربعین حسین علیه السلام چاپ شده است. (قاضی طباطبایی، بی تا، فصل اول)

علاوه بر اینها از نوشته‌های موجود که به نوعی از آثار شهید مطهری نیز در این باب بی‌تأثیر نبوده است، می‌توان به تحریف‌شناسی عاشوراء تألیف محمد صحتی سردرودی، (۱۳۸۳) و تأملی در نهضت عاشوراء تألیف رسول جعفریان (۱۳۸۱) و آسیب‌شناسی در عزاداری تألیف نگارنده مقاله (۱۳۸۷) اشاره کرد.

تحریفات عاشورا از دیدگاه شهید مطهری

۱. تأکید بر تحریف معنوی

وی در تقسیمات تحریف، بر نوع معنوی آن تأکید اصلی دارد. به همین سبب می‌گوید:

تحریف معنوی این است که شما در لفظ تصرف نمی‌کنید، لفظ همان است که بوده، ولی آن را طوری معنی می‌کنید که خلاف مقصد و مقصود گوینده است. (مطهری، ۱۳۶۶: ۱/۱۳)

او در بیان سابقه تحریف، به نکته مهمی که از تاریخ ادیان و تفاسیر مشهود قرآن پیرامون یهود است، سخن به میان می‌آورد و می‌گوید:

قرآن کریم، کلمه تحریف را مخصوصاً در مورد یهودی‌ها به کار برده و با ملاحظه تاریخ، معلوم می‌شود که اینها قهرمان تحریف در طول تاریخ هستند. (همان)

شهید مطهری برای ورود در مقصود اصلی‌اش از بیان مفاهیم مربوط به تحریف، به روشی که در القای مراد و مقصود خلاف از اشعار مدح و مراثی مرسوم بوده، اشاره می‌کند و آن را نمونه اصلی مفهوم تحریف می‌شمرد (همان: ۱۵) وی اگرچه هدف اصلی خود را از بیان مباحث، مقابله با تحریف معنوی واقعه عاشورا و حماسه حسینی علیه السلام برمی‌شمرد، ولی نظر به اینکه الهام‌بخش اغلب موضوعات وی در این خصوص، تحریفات لفظی این واقعه برگرفته از کتاب *لؤلؤ و مرجان* است، موارد متعددی از این تحریفات را بیان نموده است. ولی با این همه، شیوه اصلی وی، تأکید بر تحلیل و نفی مشی و روش‌های انحرافی است که به دنبال برداشت سوء از قیام امام حسین علیه السلام و تزریق این انحراف‌ها در جوامع شیعی به ویژه ایران بوده است و به همین سبب، تأکید وی بر تحریفات معنوی، از این منظر، حائز اهمیت می‌باشد.

۲. توجه به تحریفات لفظی

شهید مطهری در ابتدای این بحث می‌گوید:

من نمونه‌هایی از بعضی تحریف‌هایی که در لفظ ظاهر، یعنی در شکل قضیه به وجود آورده‌اند و چیزهایی که نسبت داده‌اند را ذکر می‌کنم. مطلب، آن قدر زیاد است که قابل بیان کردن نیست و اگر بخواهیم روضه‌های دروغی را که می‌خوانند، جمع‌آوری کنیم، شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه‌ای بشود. (همان: ۱/۱۸)

آنگاه در تأکید بر الهام‌گیری از کتاب *لؤلؤ و مرجان* در دست‌یابی به موارد تحریف لفظی در تاریخ‌نگاری مقتل امام حسین علیه السلام و بی‌نظیر بودن این کتاب در این خصوص چنین می‌گوید:

خیال نمی‌کنم در هیچ کتابی درباره دروغ و انواع آن به اندازه این کتاب، بحث شده باشد و شاید نظیر این کتاب در دنیا وجود نداشته باشد ... وی نمونه‌هایی از دروغ‌های

معمول که به حادثه تاریخی کربلا نسبت می‌دهند را ذکر می‌کند و آنچه که من می‌گویم، غالباً یا همه آن، همان‌هایی است که مرحوم حاجی نوری هم از آن ناله کرده است. (همان: ۱ / ۲۰ - ۱۹)

مطهری از آغاز مقتل‌الحسین علیه السلام، به همان نحو که در برخی مصادر وارد شده، نمونه‌های بارزی را که با روش عینی امامت و اصول مذهب سازگار نبوده و اساساً با مشی و مرام امامت و اهدافی که در ابتدای قیام بیان شده هماهنگی ندارد را مطابق نقل محدث نوری بیان کرده و آن را نقد می‌نماید. از جمله، در مورد این که در برخی منابع تاریخ مقتل در عظمت موكب امام مطالبی آورده و آن را با حشم و خدم ذکر کرده‌اند، می‌گوید:

نمونه دیگری که تحریف و جعل کرده‌اند این است که نوشته‌اند قاصدی برای اباعبدالله علیه السلام، نامه‌ای آورده بود و جواب می‌خواست. آقا فرمود که سه روز دیگر بیا از من جواب بگیر. سه روز دیگر که سراغ گرفت، گفتند: آقا حرکت کردند و امروز عازم رفتن هستند. او هم گفت: بروم ببینم (شیوه رفتن ایشان چگونه است) رفت و دید، آقا خودش روی یک کرسی نشسته و بنی‌هاشم روی کرسی‌های چنین و چنان. بعد، محمل‌هایی آوردند، چه حریرها، چه دیباج‌ها و ... در حالی که این با روایت خروج امام از مکه با خواندن آیه «فخرج منها خائفاً يترقب» (قصص / ۲۱) سازگار نیست. (همان: ۱ / ۲۵ - ۲۴)

توجه مطهری با الهام از محدث نوری به این تحریف بزرگ ناشی از آن است که هیچ کدام از تاریخ‌نویسان و محدثین مقتل، این تحریف بزرگ را نیاورده‌اند. به نحوی که ابن اعثم در الفتوح که اثر مهمی پیرامون مقل‌الحسین علیه السلام است در خصوصیات شب وداع امام علیه السلام می‌نویسد: «فلم يكن ذالك اليوم في شرق ولا غرب اشد غمًا من اهل بيت الرسول صلوات الله عليهم و لا اكثر منه باكيًا و باكيه» (ابن اعثم، ۱۴۰۶ ق: ۵ / ۲۰) و این همان نکته‌ای است که خطیب خوارزمی در مقتل‌الحسین علیه السلام بیان کرده است. (خطیب خوارزمی، بی‌تا: ۱ / ۱۸۶)

همان طور که خروج امام همراه با خوف و ترقب، مطابق همان ماجرای حضرت موسی علیه السلام در خروج از مصر را منابعی همچون ابی مخنف در مقتل خویش (ابی مخنف، ۱۳۶۳: ۸۵) و طبری از قول وی به همان نحو ذکر کرده است. (طبری، ۱۴۰۶ ق: ۳ / ۲۷۲) تحلیلی که مطهری از این تناقض موجود و عدم تطابق نقل‌های رایج با منابع اولیه در این تحریف لفظی ارائه می‌دهد این است که معتقد است، این شیوه نقل، از همان ابتدا، قیام و اهداف والای نهضت حسین علیه السلام را زیر سؤال می‌برد. وی می‌گوید:

مگر عظمت اباعبدالله به این است که یک کرسی مثلاً زرین برایش گذاشته شود؟ یا عظمت خاندان او به این است که سوار محمل‌هایی از دیباج و حریر شده باشند؟ (همان: ۱ / ۲۵)

۳. منشأ اصلی تحریفات

در دیدگاه مطهری، منشأ اصلی و عامل حقیقی این تحریفات را می‌توان در چند مسئله مشاهده کرد که از مجموع مطالب وی قابل استنتاج است.

الف) مخلوط شدن حقایق با دروغ‌ها

مطهری معتقد است که بنی‌امیه برای مخدوش کردن چهره امام حسین علیه السلام و اهداف الهی وی، دروغ‌هایی را در لابلای حقایق تاریخی ترویج نموده و اینها بعداً به شکل برخی مسلمات درآمدند است. وی می‌گوید:

دشمن برای اینکه به هدف و غرض خود برسد، تغییر و تبدیلی‌هایی در متن تاریخ ایجاد (همان تحریف لفظی) و یا توجیه و تفسیرهای ناروایی از تاریخ می‌کند ... حکومت اموی نیز، خیلی کوشش کرده، برای اینکه نهضت حسین علیه السلام را چنین رنگی بدهد. (مطهری، همان: ۱ / ۴۰)

برای اینکه به این فراز از نظریات وی توجه بدهیم، به برخی از اختلاف‌نظرهای جدی که در منابع متقدم پیرامون برخی از فقرات مقتل الحسین علیه السلام است، اشاره می‌کنیم. مثلاً قضیه ملاقات اجنه با حضرت و تقاضای همراهی با وی را که ما از برخی منابع متأخر مانند مجلسی در بحار الانوار مشاهده می‌کنیم (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۴: ۳۳۰) در اغلب منابع اولیه وجود ندارد. به نظر می‌رسد که این نوع از روایات، جلوه غیر عادی دادن به حادثه کربلا و رفع تکلیف از کسانی است که در اعصار بعد از امام خواهند آمد؛ زیرا امکان استمداد از روش‌های غیر عادی، نکته‌ای است که برای همگان میسر و مقدور نبوده و طبعاً باعث انحصار این تکلیف در امام خواهد بود. مسئله‌ای که بنی‌امیه و بی‌عباس نیز به دنبال ترویج چنین فکری در جامعه و تزریق آن در پیکره و شاکله فکری آن بودند.

یا نمونه دیگر، ماجرای است که مطهری به عنوان یک تحریف چنین بیان کرده و از زبان راوی می‌نویسد:

می‌گویند در روز عاشوراء، وقتی که برای اباعبدالله یاوری باقی نماند، حضرت برای خداحافظی به خیمه امام زین العابدین علیه السلام رفتند. وی پرسید: پدر جان، کار شما و این

مردم به کجا کشید؟ امام فرمود: پسر جان، به جنگ منجر شد ... و آنگاه درباره هر کدام از اهل بیت و اصحاب پرسید، امام پاسخ داد که شهید شد. (همان: ۱ / ۷۷)

مطهری در ادامه می‌نویسد: «مگر العیاذ بالله، امام سجاد علیه السلام، آن قدر بیهوش یا بیمار بوده که نفهمیده چه اتفاقاتی رخ داده است». (همان) در حالی که مورخین و محدثین فراوانی در نقل رخدادهای مربوط به شب عاشورا، روایت مربوط به خبر دادن شهادت آن حضرت و یارانش را از قول امام زین العابدین علیه السلام آورده‌اند. از جمله منابع در تاریخ یعقوبی (یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۲۴۳) تاریخ طبری به نقل از ابی مخنف (طبری، ۱۴۰۶: ۳ / ۳۱۶)، مقاتل الطالبیین (اصفهانی، بی‌تا: ۱۱۲) و همچنین ارشاد شیخ مفید (مفید، بی‌تا الف: ۲۳۲)، به این فراز تأکید کرده‌اند. علاوه بر این، برخی منابع از متأخرین، مانند مدینه المعاجز (بحرانی، ۱۴۱۴ ق: ۲۱۴ ح ۲۹۵) و اثبات الهداه (حر عاملی، ۱۳۹۹ ق: ۵ / ۲۰۴ ح ۶۱) وقایع مربوط به شب عاشورا و خبر مربوط به شهادت همه اهل بیت علیهم السلام و اصحاب را از امام سجاد علیه السلام نقل کرده‌اند.

ب) شهرت یافتن وقایع غیر واقعی

مطهری معتقد است، «اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند، می‌بیند از زنده‌ترین، مستندترین و پرمنبع‌ترین تاریخ‌هاست». (مطهری، ۱۳۶۶: ۱ / ۵۶) نظریه وی را کثرت منابع اصلی که پیرامون تاریخ‌نگاری مقتل امام حسین علیه السلام وجود دارد، تأیید می‌کند. با این همه در برخی از فقرات این تاریخ صحیح، مطالب غیر مستند را آن قدر نقل کرده‌اند که کم‌کم به صورت یک واقعیت مسلم و رخداد غیرقابل خدشه درآمده است. مثلاً در مورد بیماری امام زین العابدین علیه السلام می‌گوید:

همین دروغ، همین تحریف سبب شده است که بسیاری از اشخاص آه بکشند، ناله بکنند، ... تا مردم آنها را احترام کنند و بگویند، آقا را ببینید، درست مانند امام زین العابدین علیه السلام، بیمار است! این تحریف است. امام زین العابدین علیه السلام، با امام باقر علیه السلام، از نظر مزاج و بنیه هیچ فرقی نداشته است. امام بعد از حادثه کربلا، چهل سال زنده بود ... چرا بگوییم امام زین العابدین علیه السلام بیمار. (همان: ۹۸)

ماجرای بیماری امام که طی چند روز به مصلحت الهی بوده و برخی از مورخین، از جمله شیخ مفید در الارشاد، در ماجرای حمله به خیام بر آن تأکید کرده (شیخ مفید، بی‌تا الف: ۲۴۲) و ابن کثیر در البدایه و النهایه نیز آن را آورده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق: ۸ / ۲۰۵)، تنها ناظر به همان چند روز بوده است. ولی به صورت یک شهرت غیر واقعی، به قدری نقل شده که آن را

از مسلمات شمرده‌اند که امام سجاد علیه السلام، دائماً در یک نوع حالت بیماری بوده است. به نظر می‌رسد این نوع تلقی و شهرت آن نیز، نوعی از انحصار تکلیف قیام در امام حسین علیه السلام باشد که آن را حادثه‌ای غیرقابل تکرار و غیرقابل تعمیم به زمان‌های دیگر باید فرض کرد. این همان تبادر انحرافی و خطرناکی است که در بحث مربوط به تحریفات عاشورا، مورد توجه مطهری واقع شده است.

ج) توجیه نمودن تحریفات با ابزار هدف

یکی از نکات مهمی که از ممیزه‌های تحریف‌شناسی تاریخ کربلا و عاشورا در آراء و اندیشه مطهری عیان و برجسته است، مسئله توجیه شدن وسیله به واسطه هدف است. مطهری معتقد است که اغلب دروغ‌های رایج در تاریخ اصیل کربلا، ناشی از تفکر غلطی است که می‌گوید، باید برای گرم نگاه داشتن مجالس عزای حسینی، به هر شیوه‌ای متوسل شد. وی نمونه‌ای از دروغ‌ها و تحریفاتی که علامه نوری بر آن تأکید کرده را در مطالبی که تحت عنوان حماسه حسینی علیه السلام ارائه شده ذکر کرده است و اغلب این مطالب را یا به طور کلی بی‌اساس و سینه به سینه نقل شده می‌شمرد، یا در آثاری مانند *روضه الشهداء* ملا حسین کاشفی می‌بیند که پر از دروغ‌های فراوان و مطالب اغراق‌آمیزی است که اساساً در هیچ کدام از منابع اصلی دیده نمی‌شود.

علاوه بر *روضه الشهداء*، کتاب *اسرار الشهادة* دربندی نیز به همین روش عمل کرده و ماجرای مقتل حسین علیه السلام را مملو از دروغ‌هایی نموده است که اصل واقعه را زیر سؤال می‌برد. وی در نقل شخصیت کاشفی و دربندی به نقل از میرزا حسین نوری، ایشان را از نظر شخصیتی، اشخاص مخلصی می‌داند که به انگیزه شور انداختن عزای حسین علیه السلام، دست به این کار زده‌اند. غافل از آنکه ورود دروغ و مبالغه‌های فراوان، اصل قیام را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۶: ۱ / ۱۰۶ - ۱۰۵)

تحریفات عاشورا و افکار انحرافی

ممیزه اصلی تحریف‌ستیزی عاشورای مطهری در مورد تحت‌الشعاع قرار گرفتن اهداف اصلی نهضت حسین علیه السلام، به وسیله تحریفاتی است که موجب ایجاد نحله‌ها و افکار انحرافی شده است که می‌توان این برداشت‌های انحرافی را در چند عنوان خلاصه کرد.

۱. قائل بودن به تکلیف خاص برای امام حسین علیه السلام

مطهری عامل اصلی قیام امام حسین علیه السلام را عنصر اصلاح طلبی، تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و اصلاح امر امتی که به تدریج و در اثر اقدامات و بدعت‌های بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، به قهقراء رفته‌اند را اصلی‌ترین ممیزه حرکت وی می‌شمرد. این مسئله در کلیت افکار و آراء مطهری در این باب مشهود است. طبعاً هر تفکر دیگری که بخواهد این عنصر اصلی را تحت الشعاع قرار دهد، خود یکی از تحریفات مهم این واقعه خواهد بود. مطهری برداشت غلط مقدر بودن این واقعه برای امام را از انحرافات و تحریفات بزرگی می‌داند که اصل قیام و وظیفه عمومی در امر به معروف و نهی از منکر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. زیرا جای این قیام را حاکی از همین دو عنصر می‌بیند و می‌گوید:

این عامل، ارزش نهضت را بسیار بالا می‌برد و به همین دلیل، ما باید امر به معروف و نهی از منکر را از نظر اسلام بشناسیم ... آن وقت ما بعد از هزار و دویست سیصد سال در مقابل امام بایستیم و این طور گواهی بدهیم، اشهد انک قد اقامت الصلوه و آتیت الزکاه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی الله حقّ جهاده حتی اتیک الیقین. (همان: ۲ / ۶۷)

وی با استناد به این آیه از قرآن که می‌فرماید: «کنتم خیر امّه أُخرجت للنّاس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» (آل عمران / ۱۱۰) می‌گوید:

بینیم علی بن ابی طالب علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام، روی چه مسائلی حساسیت داشتند، ما هم روی همان مسائل حساسیت نشان دهیم. (همان: ۱۶۲)

نتیجه برداشت این‌چنینی، قائل شدن وظیفه خصوصی برای امام است که دیگران تکلیف قیام، اصلاح امر به معروف و نهی از منکر را نخواهند داشت و این همان مسئله خطرناکی است که اثربخشی این قیام در نسل‌های مختلف را خنثی خواهد کرد. مطهری در این خصوص می‌گوید: «آیا امام، دستور خصوصی داشت؟». (همان: ۳ / ۳۵۹) آنگاه در توضیح روایتی از کافی از قول ضریس کنانی و او از حُمران بن اعینی شیبانی که از امام باقر علیه السلام، پیرامون خروج و نهضت امام حسین علیه السلام می‌پرسد و حضرت می‌فرماید: «آنچه شد، مقدر الهی برای ایشان بوده است.» (همان) مطهری معتقد است که از این روایت و نظائر آن، نمی‌توان حکم خصوصی برای امام استنباط کرد که از دیگران تکلیف را سلب کند. وی در این باب می‌گوید:

می‌گویند این یک دستور خصوصی فقط برای او بود، به او گفتند برو و خودت را به کشتن بده، پس به ما و شما ارتباط پیدا نمی‌کند، یعنی قابل پیروی نیست. (همان: ۱ / ۷۷)

در تأیید نظریه مطهری در این باب، بایستی به روایاتی از امام دقت کرد که در طول نهضت، برای همه اعصار جامعه بیان کرده و صراحتاً می‌گوید: «الموت خیر من رکوب العار و العار اولی من دخول النار، انا الحسین بن علی، احمی عیالات ابی، آیت ان لا اثنی، امضی علی دین البنی علیه السلام» (ابن اعثم، ۱۴۰۶: ۵ / ۱۳۴) یعنی لازمه عمل به سنت نبوی، در همه اعصار، زندگی با عزت و مرگ با شرافت است، نه اینکه تنها حسین بن علی علیه السلام، چنین وظیفه‌ای داشته باشد.

یا اینکه امام حسین علیه السلام، به صراحت از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله، چنین نقل می‌کند:

فقد علمتم ان رسول الله قد قال فی حیاته: من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام او تاركاً لعهدالله و مخالفاً لسنة رسول الله، فعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان ثم لم یغیر علیه بقول لا فعل كان حقاً علی الله ان یدخله مدخله. (ابن اعثم، ۱۴۰۶: ۵ / ۹۱؛ طبری، ۱۴۰۶: ۳ / ۳۰۱؛ خوارزمی، بی تا: ۱ / ۲۳۵؛ مفید، بی تا الف: ۲۲۰؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶ ق: ۴۲)

منشأ این انحراف در برداشت را نیز می‌توان از جزم به ظاهر روایاتی دانست که به سبب علم امام به سرانجام کار، در منابع وارد شده که قطعاً خدشه‌ای به وظیفه ظاهری امام و دیگرانی که باید با اسوه قرار دادن وی، به این وظیفه عمل کنند، وارد نمی‌کند.

۲. برداشت صوفیانه

برخی، اهداف این واقعه عظیم را چنان تنزل داده‌اند که نمی‌توان چیزی جز برداشت صوفیانه انحرافی به آن گفت. مطهری در این باب می‌گوید:

گفتیم (از قول تحریف‌گران)، حسین بن علی قیام کرد تا کشته شود، برای اینکه کفاره گناهان امت باشد! حال اگر بپرسند این حرف در کجاست؟ آیا خود امام حسین علیه السلام چنین چیزی گفت؟ امام گفت؟ (بعضی از ما به غلط) می‌گوییم به این حرف‌ها چکار دارید؟ امام حسین علیه السلام کشته شد، برای این که گناهان ما بخشیده شود! (مطهری، ۱۳۶۶: ۱ / ۷۶)

مطهری در ادامه منشأ این برداشت را به جهان مسیحیت ارتباط داده و می‌نویسد:

یکی از اصول معتقدات مسیحیت، مسئله به صلیب کشیدن مسیح است ... از نظر مسیحیت، این جزء متن مسیحیت است که عیسی به دار رفت، تا کفاره گناهان امت باشد! (همان: ۷۷)

وی در ادامه، در تقبیح این دیدگاه که امام تنها به اشک ما نیاز دارد تا گناهان ما بيمه شود، مطالبی ذکر می‌کند. وی می‌گوید:

اگر اشکی که ما برای او می‌ریزیم، در مسیر هماهنگی روح ما باشد، پرواز کوچکی است که روح ما با روح حسینی می‌کند. اگر ذره‌ای از همت او، ذره‌ای از غیرت او، ذره‌ای از ایمان او ... در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود، آن اشک بی‌نهایت قیمت دارد، اما نه اشکی که برای نفل شدن حسین باشد، بلکه اشکی که برای عظمت حسین باشد. (همان: ۸۱)

این نوع از دیدگاه‌ها، غالباً در روضه الشهداء کاشفی، اکسیر الشهادت در بندگی و اشخاصی که در آثار بعدی از آن تبعیت کرده‌اند می‌باشد و قطعاً این شیوه برداشت از واقعه قیام، اهداف اصلی را زیر سؤال خواهد برد.

۳. عوام زدگی در سیر تحریف‌ها

یکی از ممیزات اصلی که در این مسیر مورد توجه مطهری قرار گرفته، عوام‌زدگی و عوام‌گرایی در تبیین این واقعه مهم است که نقش اصلی آن را در ترویج امر به معروف و نهی از منکر به حاشیه برده است. مطهری معتقد است، شیوه تعامل عوام در جزئیات بر پایی مجالسی که در بزرگداشت مقتل الحسین علیه السلام برپا می‌شود، تحت تأثیر جریانات عوام زدگی است که اهداف نهضت حسین علیه السلام را لوٹ نموده است. وی می‌گوید: «این نقطه ضعف مردم عوام است. با این نقطه ضعف چه باید کرد؟ آیا باید از این نقطه ضعف مردم استفاده کرد؟» (همان: ۱۰۳) وی در دنباله و در مبارزه با چنین طرز تفکری می‌گوید:

بزرگترین وظیفه علماء، مبارزه با نقاط ضعف اجتماع است. این است که پیامبر اکرم فرمود: اذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه و الآ فعلیه لعنه الله. (همان: ۵۴)

مطهری معتقد است که در سایه همین عوام‌زدگی که یکی از جریانات انحرافی در شیوع تحریفات عاشورایی است، حقایق فراوانی قلب شده و به دروغ جلوه داده شده و دروغ‌ها به صورت حقیقت در می‌آید. وی ساخته و پرداخته شدن داستان‌های بی‌اصل و مدرک برای شور منفی دادن به مجالس عزای حسین علیه السلام را از همین زاویه تأویل و تفسیر می‌نماید. مطهری از خواب‌ها و مکاشفه‌هایی که هیچ‌گونه استنادی در تاریخ به آن نمی‌شود یاد کرده و از رواج آن، توسط افرادی که مبنای هدایت عوام را از دست داده‌اند، بسیار اظهار تأثر می‌کند. (همان: ۹۴ - ۹۳) وی در

این باب از بیان داستان‌هایی که حتی قطعاً الطریقین مسیر زوار حسین علیه السلام نیز مورد شفاعت آن حضرت در قیامت واقع خواهند شد، زیرا اثر گرد پای زوار بر چهره ایشان نشست، شدیداً اظهار تعجب می‌نماید. (همان: ۹۶)

مطهری به همین سبب، رسالت علمای راستین را در این باب و رفع عوام‌زدگی، به عنوان یک جریان انحرافی در سیر تحریفات عاشوراء، به عنوان وظیفه سنگینی ارزیابی می‌کند. (همان: ۱۰۰)

نتیجه

متفکر شهید، علامه مطهری به عنوان یک مصلح اجتماعی، باتوجه به نقش تأثیرگذار پیام‌ها و اهداف مربوط به تاریخ مقتل حسین علیه السلام، مبارزه بی‌امانی با مسئله تحریفات لفظی و معنوی این واقعه داشته و مهم‌ترین ممیزه تحریف‌شناسی وی در این باب، تأثیر بر حرکت اصلاحی بودن امام و تکیه بر عنصر امر به معروف و نهی از منکر است. وی در همین جهت، برداشت‌های انحرافی مانند برداشت‌های منجر به وظیفه خاص دانستن این حرکت برای امام و غیرقابل تبعیت بودن آن برای دیگران، برخورد صوفیانه با این جریان و دروغ‌های وارده‌ای که کلیت اهداف عالی نهضت حسین را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد را مورد مذاقه قرار داده و با بیانی مستدل رد می‌کند. آراء مطهری، غالباً مستظهر به روایات غیرقابل خدشه و مستند از منابع اولیه تاریخ‌نگاری مقتل‌الحسین علیه السلام بوده و در پاره‌ای موارد نیز، برگرفته از شم اجتهادی وی به عنوان یک متفکر و مصلح اجتماعی است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اعثم، ابومحمد احمد، ۱۴۰۶ ق، *الفتوح*، بیروت، نشر دارالکتب الاسلامیه.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، بی تا، *مقدمه تاریخ ابن خلدون*، بی جا.
۴. ابن عساکر دمشقی، هبه الله، ۱۴۰۰ ق، *ترجمه الامام الحسین علیه السلام*، تحقیق محمد محمودی، بیروت، مؤسسه محمودی، چ ۱.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، ۱۴۰۸ ق، *البدایه و النهایه*، بیروت، دار احیاء التراث.

۶. ابن منظور، ۱۴۱۵ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۱.
۷. ابومخنف ازدی، لوط بن یحیی، ۱۳۶۳، *وقعة الطف*، قم، نشر جامعه مدرسین.
۸. اصفهانی، ابوالفرج، بی تا، *مقاتل الطالبین*، بیروت، دارالمعرفه.
۹. باعونی شافعی، محمد بن احمد، ۱۴۱۵ ق، *جواهر المطالب*، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، چ ۱.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۴ ق، *مدینه المعجزه*، قم، مؤسسه معارف اسلامیه.
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱، *تأملی در نهضت عاشوراء*، قم، انصاریان.
۱۲. حر عاملی، محمد بن الحسین، ۱۳۹۹ ق، *اثبات الهداه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. حلی، ابن نما، ۱۴۰۶ ق، *مثیر الاحزان*، قم، نشر مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
۱۴. خوارزمی، خطیب موفق بن احمد، بی تا، *مقتل الحسین علیه السلام*، قم، نشر مکتبه مفید.
۱۵. زبیدی، محمد، بی تا، *تاج العروس*، بیروت، مکتبه الحیاه.
۱۶. سید مرتضی، علم الهدی، ۱۴۰۹ ق، *تنزیه الانبیاء علیهم السلام*، بی جا، بی نا.
۱۷. صحتی سردرودی، محمد، ۱۳۸۳، *تحریرات عاشوراء*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چ ۱.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۴۰۳ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی، چ ۵.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۶ ق، *تاریخ طبری*، بیروت، نشر دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. فخر رازی، محمد بن احمد، ۱۳۷۴، *تفسیر الکبیر*، بی جا، بی نا.
۲۱. فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹ ق، *العین*، تحقیق مخزومی و سامرای، بیروت، دارالهجره، چ ۵.
۲۲. قاضی طباطبایی، بی تا، *تحقیقی پیرامون اربعین*، نشر تبریز.
۲۳. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ ق، *ینابیع الموده*، تهران، دارالاسوه، چ ۵.
۲۴. قهرمانی نژاد شایق، بهاءالدین، ۱۳۸۵، *آسیب شناسی عزاداری*، تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۳، پاییز ۹۳، ش ۱۰

۲۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، نشر مؤسسه الوفاء، ج ۴.

۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، حماسه حسینی علیه السلام، نشر صدرا، ج ۱۱.

۲۷. مفید، محمد بن نعمان، بی تا الف، الارشاد، قم، نشر مکتبه بصیرتی.

۲۸. ———، بی تا ب، کتاب الجمل، بیروت.

۲۹. الهورونینی، نصر، بی تا، قاموس فی اللغه، بی جا، بی نا

۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، بی جا، بی نا.